



A Study on Wrestling Rituals, Terms, Rules, and Techniques in the Narrative Scrolls and Late Heroic Poems

Behzad Atoni *¹

Received: 26/04/2022

Accepted: 11/09/2022

* Corresponding Author's E-mail:
Behzad.atoni@abru.ac.ir

Introduction

Research Background

About the history of heroic wrestling, there are valuable books such as: *History of ancient sports of Iran* by Beyzaei - nicknamed Parto-; *History and culture of Zourkhane* by Ensafpour; *Iran's history of wrestling* by Abbasi; and *Heroic ritual and Zourkhaneh custom* by Aghayri, all of which provide valuable information about wrestling terms and techniques. In addition to these, several articles have been published about the wrestling, the most important of which are: "*The history of wrestling in Iran*" by Parviz, which discusses the oldest archaeological document about wrestling in Iran; "*Wrestling and the archetype of the hero*" by Khosravi et al., which, from the perspective of the theory of the collective unconscious, deals with the ritual of wrestling as the manifestation of the archetype of the hero's battle with the shadows (the battle of the protagonist with the antagonist); "*Zoroastrian Sedre and Kosti and its reflection in Kormanji Wrestling and Ferdowsi's Shahnameh*" by Bidaki, which refers to the influence of wearing Sedre and Kosti in Zoroastrianism on the clothes and belts worn by wrestlers in the Kormanji Wrestling, as well as the reflection of this tradition in the Shahnameh.

¹ Assistant Professor of Persian Language and Literature, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.

<http://www.orcid.org/0000-0002-9533-6513>



So far as the ritual of wrestling and its laws are concerned, no research has been done on the scrolls, and this research is one of the first attempts.

Goals, questions, and assumptions

Although archaeological documents and ancient Persian historical and literary books provide valuable information about the wrestling in different periods of Iran's history, unfortunately, except for a few writings such as Soltani's *Fotovvatnameh* (by Waez Kashefi Sabzevari) (Kashefi Sabzevari, 1971, 312-306) and a book the manuscript of which belongs to the 9th century of the Hijri (Ra ten treatises on shooting and archery and warfare, 2018, 41-37), none of them, in particular, have dealt with the rituals, terms, laws, and techniques of wrestling. Accordingly, the only texts that provide valuable information in this regard, and they refer to the ritual of wrestling among wrestlers, are the narrative scrolls and late heroic poems; therefore, the purpose of this research is to provide a clear picture of wrestling and to show the rituals, terms, laws, and techniques of wrestling, what is neglected in many ancient texts.

This article tries to answer these questions: What are the differences between ancient wrestling and new wrestling? What terms have been forgotten in new wrestling? What techniques can be added to the treasure of new wrestling?

Main discussion

In the narrative scrolls and late heroic poems, we are dealing with two types of wrestling: one, a wrestling for match, and the other, for battle. In the wrestling for match, two wrestlers, in the city square or in front of the soldiers, prove their strength, fight with each other. The one who knocks the other down is the winner. In the narrative scrolls and late heroic poems, we have few examples of this type, the most



important of which are: Rostam's wrestling with Afrasiab in Turan's capital square. In the narrative scrolls and late heroic poems, most of the wrestling are wrestling for battle, which sometimes changed the fate of a war and determined the winner of the battle.

In the narrative scrolls and late heroic poems, we have rules of wrestling, which are considered errors today, but in the past, their use was free. In these wrestling, wrestlers either used combat uniforms or wore special clothes called Tonoke. In these wrestling, we encounter techniques that have been forgotten today and we only see their names in some scrolls or some Persian dictionary.

Conclusion

Although the sport of wrestling in Iran is several thousand years old, apart from the books and articles that have been published in the new era, and some books and short poems that are related to several centuries ago, written documents are not available about the ritual, the techniques and terms of wrestling. The narrative scrolls and late heroic poems are among the sources that can give us valuable information about the rules and terms of wrestling. These sources have discussed five laws about wrestling clearly and comprehensively, and some rare references are mentioned in this field. In addition, In the narrative scrolls and late heroic poems, we can see valuable information about the place and time of the wrestling, the clothes of the wrestlers, the types of rare techniques, and also some terms of the old wrestlers.

References

- Afashri, M., & Maroji, F. (2018). *Ten treatises on shooting, archery and warfare* (in Farsi). Cheshmeh.
- Kashefi Sabzevari. H (1971). *Fotovvat-nama Soltani* (in Farsi) (edited by M. J. Mahjoub). Farhang Iran Foundation.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۱۰، شماره ۴۵، مرداد و شهریور ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23454466.1401.10.45.6.3

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی و منظومه‌های پهلوانی متأخر

بهزاد آتونی*^۱

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰)

چکیده

کشتی یکی از قدیم‌ترین فعالیت‌های رزمی/ ورزشی بشر بوده است که قدمت آن (با احتیاط و حدس) شاید به نخستین ایام پیدایش انسان بر روی زمین برسد. کشتی نه تنها در بین ایرانیان باستان، بلکه در میان بسیاری از اقوام کهن سابقه داشته و از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. هرچند، ورزش/ رزم کشتی، ورزش ملی ما ایرانیان است و قدیم‌ترین اسناد باستان‌شناختی ایران در این زمینه، به حدود سه هزار سال پیش باز می‌گردد، ولی با کمال شگفتی، از دوران باستان تا اواخر عهد قاجار، به غیر از بخش‌هایی از چند رساله کوتاه، و نیز چند منظومه و شعر مختصر (که همگی مربوط به عهد تیموری به بعد هستند)، در هیچ‌یک از آثار تاریخی، حماسی و عامیانه — حتی منظومه‌های پهلوانی‌ای چون شاهنامه، گرشاسب‌نامه، بهمن‌نامه و ... — به گستردگی و فراخی، به آیین کشتی و اصطلاحات و انواع فنون آن پرداخته نشده است. طومارهای نقالی و منظومه‌های پهلوانی متأخر از جمله منابعی هستند که تا

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول).

*Behzad.atooni@abru.ac.ir

<http://www.orcid.org/0000-0002-9533-6513>

حدودی، این نقیصه را مرتفع می‌سازند و اطلاعات ذی‌قیمتی درمورد قوانین، اصطلاحات، سنت‌ها و فنون کشتی‌رزمی و پهلوانی در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند. از آنجا که این منابع ارزشمند، تا به حال مورد توجه پژوهشگران ورزش باستانی نبوده‌اند، بدین‌روی، نگارنده بر آن است تا در این جستار به این امر بپردازد.

واژه‌های کلیدی: کشتی، طومار نقالی، منظومه‌های پهلوانی متأخر، قوانین کشتی، اصطلاحات کشتی.

۱. مقدمه

کشتی یکی از کهن‌ترین رشته‌های ورزشی است که نزد ملل مختلف، از دوران باستان، به اشکال گوناگون برگزار می‌شده است. «قرن‌ها پیش از اسلام و یا به درازای تاریخ، نبرد تن‌به‌تن یا گلاویز شدن دو نفر با یکدیگر و فائق آمدن یکی بر دیگری را کشتی می‌گفتند» (عباسی، ۱۳۷۷، ص. ۱۷). واژه کشتی ریختی دیگر از کُستی یا کُستیک پهلوی است که همان کمر بند یا بندی است با ۷۲ نخ و از جنس پشم گوسپند، که زرتشتیان پس از پانزده‌سالگی — و به عبارتی، هفت‌سالگی — بر میان می‌بستند (در این باره رک: پورداد، ۱۳۷۷، ج. ۱/ص. ۳۴۷؛ معین، ۱۳۲۶، صص. ۲۴۵-۲۴۶)؛ و از آنجا که در «نبرد کشتی»، هم‌آوردان، میان‌بند یکدیگر را به قصد زورآزمایی می‌گرفتند، به آنان «کشتی‌گیر» یا «کُستی‌گیر» می‌گفتند. «کلمه کُستی، چند بار در شاهنامه فردوسی همراه با فعل «گرفتن» و به‌صورت «کُستی گرفتن» آمده و منظور از آن، «ورزش کشتی» است. این کلمه، در نسخه فلورانس — که یکی از کهن‌ترین نسخه‌های موجود شاهنامه است — جز در نبرد بیژن و هومان، در بقیه جاها به‌صورت «کُستی» ثبت شده است (بیدکی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۸). در برهان قاطع، کُستی به معنای «کوفتن» نیز آمده است و چون در فارسی، سین بی نقطه و شین نقطه‌دار به هم تبدیل می‌یابند، بنا بر آن، کُستی نیز خوانده شده است (برهان تبریزی، ۱۳۶۲، ذیل کُستی؛ نیز نک: جمال‌الدین انجو، ۱۳۵۱).

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

به نظر می‌رسد زورآزمایی و کشتی‌گیری، از نخستین دوران ظهور انسان بر روی زمین مورد توجه بوده و در جنگ‌ها و نزاع‌ها، و یا اوقات فراغت، به گونه‌ای طبیعی و غریزی اجرا می‌شده است. یکی از قدیم‌ترین اسناد مکتوبی که در آن از کشتی (البته نه در معنای تخصصی آن) سخن به میان رفته، الواحی است گلی که از تمدن بین‌النهرین بر جای مانده است. در این الواح — که موضوع آن، حماسه گیلگمش است — گیلگمش با پهلوانی زورمند و تنومند به نام انکیدو ستیز می‌جوید و با او کشتی می‌گیرد: «آنان، پنجه در پنجه کردند و همچون زورآزمایی‌گردد کارا^۱ به هم درآمیختند [...]، آن‌گاه، گیلگمش، انکیدو را پشت، خم کرد، اما پای وی هم‌چنان بر خاک استوار ماند...» (گیلگمش، ۱۳۸۶، ص. ۴۸). در ایران باستان نیز قدیم‌ترین سند تاریخی در این خصوص، مربوط به تبری مفرغی در لرستان است که قدمت آن به سه هزار سال پیش می‌رسد. در این تبر،

مجسمه دو کشتی‌گیر در قسمت عقب لوله نصب شده است که هر دو کاملاً قوی‌بنیه، برهنه و سالم هستند و سر و گردن همدیگر را در اختیار گرفته‌اند. یکی از کشتی‌گیران در مقابل حریف، مصمم‌تر به نظر می‌رسد و با تلاش و جدیت، گردن حریف را گرفته است، ولی در عوض، عکس‌العمل طرف مقابل، چندان متعارف نیست (پرویز، ۱۳۷۷، ص. ۹).



تصویر ۱: مجسمه دو کشتی‌گیر بر روی تبری سه هزار ساله در لرستان

Figure 1: The statue of two wrestlers on a three-thousand-year-old ax in Lorestan

علاوه بر این سند مهم باستان‌شناختی، اسناد متأخرتری چون بشقاب نقره‌ای دوره ساسانی و یا نقاشی دیواری متعلق به همین عصر از شمال افغانستان در دست است که در آن‌ها، دو کشتی‌گیر، درحالی که شلوارکی به پا دارند و دست بر کمر یکدیگر گرفته‌اند، دیده می‌شوند (ریاضی و همکاران، ۱۳۸۷، صص. ۲۴۲-۲۴۳ به نقل از خسروی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۴).



تصویر ۲: تصویر دو کشتی‌گیر بر بشقاب نقره‌ای متعلق به دوره ساسانی

Figure 2: The picture of two wrestlers on a silver plate belonging to the Sasanian era

هرچند از کشتی در ایران باستان، اسناد اندکی در دست است — و ما به برخی از آن‌ها اشاره کردیم — ولی در عوض، در ایران پس از اسلام، مدارک بیشتری درباره سنت و آیین کشتی‌گیری و نام و القاب برخی از کشتی‌گیران وجود دارد که این، خود، نشان از رواج کشتی در میان اقشاری از مردم بوده است. در ذکر حال معزالدوله دیلمی آورده‌اند، او آن‌گونه علاقه‌مند به کشتی بود و جوانان را به این فن تشویق می‌کرد که در قصر خود در بغداد، میدانی را به کشتی‌گیری اختصاص داده بود و در روزی معین، مسابقه برگزار می‌کرد و کیسه‌های درهم و جامه‌های دیا به برندگان می‌داد (رک: ابن جوزی، ۱۳۵۸، ص. ۳۴۱). بعدها همین علاقه‌مندی حاکمان خطه شمال ایران به کشتی را، در قرن نهم و در دربار محلی امرای دیلم می‌بینیم؛ آنجا که پادشاهان و بزرگان،

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

مسابقات کشتی برگزار می‌کردند و به تماشای آن می‌نشستند (رک: مرعشی، ۱۳۶۴، ص. ۳۸۹). علاوه بر رواج کشتی در شمال ایران، در مناطق خراسان، کرمان و عراق عجم نیز کشتی‌گیری در بین عامه مردم رواج داشت، به گونه‌ای که برخی از سرداران خراسان، پهلوان و کشتی‌گیر بودند، و یا در زمان حکومت آل مظفر، در کرمان، بین کشتی‌گیران کرمانی و خراسانی نزاعی واقع شد که در آن نزاع، والده پادشاه [شاه شجاع] جانب کرمانی گرفت و پهلوان اسد بن طغان‌شاه جانب خراسانی (رک: کتبی، ۱۳۶۴، ص. ۹۹). در عراق عجم و در زمان حکومت مغولان نیز، معروف‌ترین کشتی‌گیر، پهلوان فیله همدانی بود که اندامی تنومند و متناسب داشت و در برابر خاقان مغول، بر تمام کشتی‌گیران غلبه کرد (رک: جوینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۳).

حاکمان مغول که چند صباحی را در رُبع مسکون - و البته سرزمین ایران - تُرک‌تازی و حکومت کردند نیز علاقه‌ای وافر به کشتی و کشتی‌گیری داشتند؛ به گونه‌ای که از چنگیز نقل کرده‌اند که «امرای لشکر باید که پسران را تیر انداختن و اسب تاختن و کشتی گرفتن، نیکو درآموزند و ایشان را بدین کارها، آزمایش کنند» (همدانی، ۱۳۷۳، ص. ۵۸۵). پسر و جانشین چنگیز، یعنی اگتای قاآن نیز به دیدن رقابت کشتی میان پهلوانان، بسیار راغب بود به گونه‌ای که «هر شبانگاه، تیراندازان و چرخ‌اندازان و کشتی‌گیران را در هم انداختی و آن را که راجع آمدی، بنواختی و عطاها دادی» (همان، ص. ۶۷۲). در تاریخ جهانگشای و جامع‌التواریخ آمده است او به تماشای کشتی راغب بود و در اول، جماعت مغولان و قفقاقان و ختائیان در خدمت او بودند. چون خراسان مستخلص شد، حکایت کشتی‌گیران خراسان و عراق پیش او گفتند. ایلچی به جورماغون فرستاد و اشارت کرد تا کشتی‌گیر فرستند. یکی بود از همدان، پهلوان‌فیله گفتندی، بفرستادند؛ چون به نزدیک قاآن رسید، منظر و شکل او از ضخامت جثه و

تناسب اطراف، وی را نیک خوش آمد. با جماعتی دیگر که در پیش او بودند، فرمود تا کشتی گرفت، بر تمامت غلبه کرد (جوینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۳؛ همدانی، ۱۳۷۳، ص. ۶۹۹).

در گفتار نوزدهم *بدایع الوقایع* نیز، که در اوایل قرن دهم هجری توسط زین‌الدین محمود واصفی به رشته تحریر درآمده است، از کشتی‌گیری به نام پهلوان محمدابوسعید یاد شده است که در دربار سلطان حسین تیموری روزگار می‌گذراند و هیچ پهلوانی زانوی او را به زمین نرسانده بود. پهلوان محمد در فن کشتی، کتابی تصنیف کرده بود که هرگاه منشیان میدان فصاحت و سخنورانِ معركة بلاغت آن را می‌دیدند، زانوی عجز بر زمین می‌نهادند (واصفی، ۱۳۴۹، صص. ۴۸۹-۴۹۲).

ظاهراً از عصر صفوی به بعد، کشتی‌گیری رواج گسترده‌تری می‌یابد و پهلوانان و زبردستانِ بیشتری به ظهور می‌رسند (کاظمینی، ۱۳۴۳، ص. ۶۵)؛ به گونه‌ای که مثلاً در کتاب *رستم‌التواریخ*، نام بیش از صد تن از آنان آورده شده است و مؤلف اظهار می‌دارد که «در آن ایام، پهلوانان و کشتی‌گیران بسیار بوده‌اند که هریک به نیروی سرپنجه و قوت بازو، چنار ده ساله را از زمین برمی‌کنند و تابه آهن را مانند موم از هم پاره می‌نمودند» (رستم‌الحکما، ۱۳۴۸، ص. ۴۰۹).

هرچند اسناد باستان‌شناختی و کتب تاریخی و ادبی کهن پارسی، اطلاعات ذی‌قیمتی از مسابقه کشتی در ادوار مختلف تاریخ ایران به دست می‌دهند، ولی متأسفانه به غیر از اندک نوشته‌هایی چون *فتوت‌نامه سلطانی* از واعظ کاشفی سبزواری (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰، صص. ۳۰۶-۳۱۲) و رساله‌ای که در «تیراندازی و کشتی‌گیری و تیغ آب دادن و جنگ کردن و اسب تاختن» نوشته شده و نسخه خطی آن متعلق به قرن نهم هجری است (رک: ده رساله در تیراندازی و کمان‌داری و جنگ‌آوری، ۱۳۹۷، صص.

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

۳۷-۴۱)، هیچ‌یک به شکلی تخصصی، به آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی، آن‌گونه که بایسته است، نپرداخته‌اند. به عقیده نگارنده تنها متونی که اطلاعاتی ذی‌قیمت در این خصوص به دست می‌دهند و اشاراتی دقیق به آیین کشتی‌گیری در بین پهلوانان دارند، طومارهای نقالی و منظومه‌های پهلوانی متأخر است. هرچند این متون، برگرفته از شاهنامه و آثار کهن حماسی پارسی‌اند، ولی برخلاف آن‌ها که به جزئیات و دقایق کشتی‌گیری نپرداخته‌اند و صرفاً اشاراتی کلی از این‌گونه رزم به‌دست داده‌اند - حتی شاهنامه فردوسی - به جزئی‌ترین شیوه‌ها، آیین‌ها و فنون کشتی توجه کرده‌اند و بررسی مجموع این متون - آنچه در این جستار در صدد آن هستیم - می‌تواند تصویری روشن از کشتی‌پهلوانی به‌دست دهد.

۲. پیشینه تحقیق

در زمینه تاریخ کشتی پهلوانی، کتب ارزشمندی چون: تاریخ ورزش باستانی ایران (۱۳۸۲) از حسین بیضایی؛ تاریخ و فرهنگ زورخانه (۱۳۵۳) از غلامرضا انصاف‌پور؛ تاریخ کشتی ایران (۱۳۷۷) از مهدی عباسی؛ و آیین پهلوانی و سنت زورخانه‌ای (۱۳۹۶) از خسرو آقاییاری تألیف شده است که همگی، اطلاعات ذی‌قیمتی درمورد اصطلاحات و فنون کشتی به دست می‌دهند. علاوه بر این‌ها، چند مقاله نیز درمورد کشتی به چاپ رسیده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- «سابقه کشتی در ایران» (۱۳۷۷) از احمد پرویز، که به بحث درباره قدیم‌ترین

سند باستان‌شناختی ایران درمورد کشتی می‌پردازد.

- «کشتی و کهن‌الگوی قهرمان» (۱۴۰۰) از زینب خسروی و همکاران، که از منظر

نظریه ناخودآگاهی جمعی، به آیین کشتی به‌عنوان محل تجلی نبرد کهن‌الگوی قهرمان با سایه‌ها (نبرد پروتاگونیست با آنتاگونیست) می‌پردازد.

- «سِدره و کُستی زرتشتی و انعکاس آن در کشتی کرمانجی و شاهنامه فردوسی» (۱۳۹۷) از هادی بیدکی که به تأثیر آیین سِدره پوشی و کُستی بستن در دین زرتشتی بر لباس و کمربندی که پهلوانان در کشتی کرمانجی به تن می‌کنند و نیز انعکاسی که این سنت در شاهنامه داشته است، می‌پردازد.

درباره آیین کشتی و قوانین مربوط به آن، تا به حال، هیچ تحقیقی بر روی طومارهای نقالی و منظومه‌های پهلوانی متأخر صورت نپذیرفته و این جُستار، نخستین پژوهش در این زمینه است.

۳. بحث و بررسی

در طومارهای نقالی، با دو گونه کشتی سروکار داریم: یکی، کشتی به قصد زورآزمایی و دیگری، کشتی رزمی. در کشتی زورآزمایی، دو پهلوان، در میدان شهر و یا در برابر دیدگان سپاهیان، برای اثبات زور و بازوی خود — و البته نه به قصد آسیب رساندن — با همدیگر سرشاخ می‌شوند و هرکدام، دیگری را بر زمین زد، پیروز میدان به‌شمار می‌آید. در طومارهای نقالی، با نمونه‌های کمی از این دست کُستی روبه‌رو هستیم که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کشتی رستم با افراسیاب در میدان پایتخت توران اشاره کرد (طومار شاهنامه، ۱۳۹۹، صص. ۴۱۳-۴۲۰؛ شاهنامه نقالان، ۱۳۹۶، صص. ۱۵۵۸-۱۵۶۵).

در طومارهای نقالی و منظومه‌های پهلوانی متأخر، اما بیشتر کشتی‌ها، از نوع کشتی رزمی است. «در نبردهای کهن، فنون سپاهگیری که عبارت از شمشیرزنی و جنگ با گرز، و یا عموداندازی و کمان‌کشی و زوبین‌اندازی و کمان‌گروهه بود، در نهایت به هنر کشتی پهلوانی [رزمی] ختم می‌شد [...] و هرکس که می‌توانست حریف خود را به خاک اندازد، بر سینه‌اش می‌نشست و کار او را تمام می‌کرد» (آقایاری، ۱۳۹۶، ص.

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

(۳۱۹). این گونه کشتی‌ها، گاهی سرنوشت یک جنگ را تغییر می‌داد و پیروز نبرد را مشخص می‌کرد.

۱-۳. قوانین کشتی در طومارهای نقالی و منظومه‌های پهلوانی متأخر

از آنجا که در کشتی‌های رزمی، هدف، آسیب رساندن یا کشتن حریف بود؛ چنین کشتی‌هایی، قوانین و قواعد خاص خود را داشت که با قوانین کشتی‌های مسابقه‌ای امروزی متفاوت بود. با بررسی طومارهای نقالی و منظومه‌های پهلوانی متأخر، می‌توان پنج قانون را در نظر گرفت:

(۱) هم‌وردان باید سلاح‌های سنگین را از خود دور می‌کردند و فقط کمندی برای بستن و خنجری برای کشتن به میدان می‌آوردند:

«[رستم و قهارشاه]، اسلحه سنگین از خود دور نموده، هریک خنجری برای سر بریدن و کمند کوچکی جهت بستن حریف برداشتند» (شاهنامه نقلان، ۱۳۹۶، ص. ۳۱۷ و نیز ص. ۲۳۳۴).

(۲) هم‌وردان علاوه بر اجرای فنون کشتی، می‌توانستند از فنون و اعمالی که امروزه در کشتی‌های مسابقه‌ای خطا به‌شمار می‌آید، مانند: مشت زدن، کندن گوشت همدیگر و یا حتی پیچاندن گردن حریف، استفاده کنند:

«[رستم و شبان مازندرانی] خصمانه و مردانه، زدند کله به کله یکدیگر. [...] گاهی مشت‌ها را گره کرده چون پتک آهنگران بر سر و اندام هم می‌کوفتند؛ گهی چنگ زده، گوشت بدن همدیگر را می‌کندند» (شاهنامه نقلان، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۸۱؛ برای نمونه دیگر رک: طومار شاهنامه، ۱۳۹۹، ص. ۳۳۹).

بیامد تهمتن سوی دیوِ نر (= عفریت دیو) بزد دست و بگرفت او را کمر...

تَهْمَتَن بِيچِيد مَر گَرْدَنَش بَه خَاک اَنْدَر اَوْرَد تِيْرَه تَنَش

(زرین قبانامه، ۱۳۹۳، ص. ۷۰۷)

در این گونه کشتی‌ها، از آنجا که قصد کشتی‌گیران، کشتن یا آسیب رساندن به حریفِ مقابل بود، گاهی اوقات وقتی حریف را بر روی دست بلند می‌کردند، جایی سخت را نشانه می‌رفتند و او را به جانب آن هدفِ سخت پرتاب می‌کردند تا استخوان‌هایش درهم شکنند؛ برای نمونه: وقتی رستم با سپهبد چینی کشتی می‌گیرد و او را بالای دست می‌برد، ستونِ میانهٔ خیمه را هدف قرار می‌دهد تا چنان کمرش را بر ستون بزند که کمرش خُرد شود (طومار شاهنامه، ۱۳۹۹، ص. ۶۴۷، نیز ص. ۹۹۳).

۳) اگر یکی از هم‌وردان، از هم‌وارد دیگر شکست می‌خورد و قصد تسلیم شدن داشت، به نشانهٔ اطاعت و تسلیم شدن، با دست بر شانهٔ حریف می‌زد:

[سام] قد و قامت تمرتاش را از زمین برکنند، بر بالای سر برده که تمرتاش دستی بر کتف سام زد که ای پهلوان! تا زنده‌ام تو را غلام حلقه در گوشم» (هفت‌لشکر، ۱۳۷۷، صص. ۹۰-۹۱؛ نیز شاهنامهٔ هفت‌لشکر، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۳؛ طومار شاهنامه، ۱۳۹۹، ص. ۶۴۷).

رسم زنه‌ارخواهی و تسلیم شدن، اما در شاهنامه به گونه‌ای دیگر است. در شاهنامهٔ فردوسی، آن‌گاه که هیچ‌یک قصد زنه‌ارخواهی از سهراب — که می‌خواهد سر از تنش ببرد — را دارد، بر دستِ راست می‌پیچد؛ که بنا بر نظر پژوهشگری، از آنجا که «راست» در اساطیر ایرانی، نمادی اهورایی و مبارک است، پس پیچیدن به راست، برابر است با نوعی حالت تسلیم و رضامندی و «فرار از بلا و بدآمدِ کار»، که تدریجاً به‌عنوان

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

تفأل، به صورت رسمی از مراسم و لازمه‌ای از لوازم زندهار خواستن درآمد (رک: یاحقی، ۱۳۸۸، صص. ۲۴۱-۲۴۶؛ همچنین نک: مینوی، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۷).

۴) قانون چهارم کشتی در طومارها، درباره مساوی شدن دو هم‌آورد بود. از آنجا که کشتی‌های رزمی، به مانند مسابقات کشتی امروزی، زمانی محدود و خاص نداشت و امتیازی در حین کشتی شمارش نمی‌شد، پس در صورتی که نبرد دو هم‌آورد به درازا می‌کشید و یکی بر دیگری غلبه نمی‌کرد، به تصمیم و صلاح‌دید بزرگان، دو هم‌آورد از هم جدا می‌شدند و ختم نبرد اعلام می‌شد. این شیوه، همان است که به آن، اصطلاح «ماندن کشتی» را داده‌اند؛ یعنی آنقدر دو کشتی‌گیر با هم برابر شوند که کشتی‌شان به نتیجه نهایی ختم نشود و با هم مساوی شوند (آقایی، ۱۳۹۶، ص. ۳۲۹). در یکی از طومارها، در کشتی‌ای که میان کوهکش [= فرامرز] و قهارشاه [= جهانگیر] صورت می‌پذیرد، کشتی، می‌ماند و برنده ندارد:

جنگشان به زوران رسید. هفت شبانه‌روز کله به کله هم زدند [...] روز هفتم از هردو اردو، چند نفر از بزرگان در میدان رفته آن‌ها را از هم جدا کردند و گفتند: جنگ را بگذارید برای وقت دیگر؛ چه شما هر دو هم‌زورید ... (شاهنامه نقلان، ۱۳۹۶، ص. ۳۰۶۶).

۵) دو پهلوان، هرگاه برای کشتی گرفتن، از اسب خود به زیر می‌آمدند، عنان اسب را به کمر خود می‌بستند تا اسب، در میدان کارزار، یله نشود و به دست دشمن نیفتد: « [رستم و برزو] دست بر یال مرکبان، به زیر آمدند و اسبان را بر کمر بستند [...] آن‌گاه با هم برآویختند و بر کمر یکدیگر چسبیدند» (شاهنامه هفت‌لشکر، ۱۴۰۰، ص. ۴۱۸).

ستادند هر دو [رستم و برزو] بر آن روی خاک دل هر دوان گشته از بیم، چاک ...

چنین بود آیین آن روزگار به هنگام رزم و گه کارزار

نکردندی اسبان خود را رها ز بیم بدانندیش نر اژدها

چو اسبان بیستند اندر کمر گرفتند پس بازوی یکدگر

(برزنامه، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۵)

تمور از بر باره آمد به زیر عنان بر کمر زد چو بیر دلیر

کمر بند آن دیو بگرفت تنگ مر آن اهرمن نیز یازید چنگ ...

(زرین قبانه، ۱۳۹۳، ص. ۸۲۴)

۲-۳. دو نکته نادر و بدیع در طومارهای نقالی و منظومه‌های پهلوانی متأخر درمورد

آیین کشتی

۱-۲-۳. کشتی‌گیری شاگردان، پیش از استاد

در یکی از طومارها آمده است که کشتی‌گیری از سرزمین زنگبار به دربار پشنگ آمد و از پهلوانان توران، هم‌اورد طلبید. پشنگ دستور داد تا بارگاه او را به میدان آورده و راست کردند و تخت او را در میان آن میدان قرار دادند. روز دیگر تمام سرداران توران آمدند و در آن بارگاه نشستند. اول، آن شاگردان کشتی‌گیر آمده، با یکدیگر کشتی گرفتند و پس از آن، استاد کشتی‌گیر، با افراسیاب - که داوطلب نبرد با او شده بود - به کشتی‌گرفتن برخاست (طومار نقالی شاهنامه، ۱۳۹۱، صص. ۴۲۲-۴۲۳).

براساس این طومار، می‌توان این‌گونه انگاشت که اگر پهلوانی صاحب‌نام برای کشتی‌گرفتن با پهلوانان دیگر سرزمین‌ها - یا حتی شاید پهلوانان همان منطقه - و

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

اثبات برتری خود، قدم به میدان می‌گذاشت، ابتدا شاگردان آن پهلوان، برای گرم کردن بازار رقابت، و یا شاید به رُخ کشیدن فنونی که از استاد خود آموخته بودند، در برابر دیدگان دیگر پهلوانان به کشتی با یکدیگر برمی‌خاستند و بدین طریق، جایگاه استاد خود را نزد دیگران بالا می‌بردند و پس از اتمام این کشتی‌های نمایشی، نوبت به هنرنمایی استاد آنان در رقابت با دیگر رقیبان می‌رسید. این سنت از جمله سنت‌هایی است که در کتب و رسائل مربوط به کشتی و یا متون حماسی و عامیانه رزمی، سخنی از آن نرفته است و به عقیده نگارنده، اشاره‌ای نادر در باب آیین و سنت کشتی‌گیری به‌شمار می‌آید.

۲-۲-۳. مَهر نمودن منشورنامه پهلوان، توسط پادشاهان و پهلوانان دیگر سرزمین‌ها

در ابتدای داستان کشتی‌گیر زنگباری که در بالا بدان اشاره کردیم، آمده است:

یک روز در بارگاه پشنگ، غوغایی تمام پیدا شد و پرسید رستم که این چه غوغای عام است؟ گفتند که از جانب مغرب از ولایت زنگبار، کشتی‌گیر آمده است و منشورنامه می‌خواهد؛ و پشنگ فرمود آن کشتی‌گیر را به بارگاه آوردند. چون داخل بارگاه شد [...] بگفت: ای پادشاه توران! کسی باید با ما کشتی گیرد یا منشورنامه ما را مَهر نماید. پشنگ گفت: ای پهلوان! فرود آمده؛ یا شخصی پیدا نموده که شما را کشتی گیرد، یا منشورنامه شما مَهر نمایم (همان).

همان‌گونه که در تاریخ کشتی‌ایران آمده است، بزرگ‌ترین مبارزه کشتی پهلوانی، کشتی برای تعیین پهلوان پایتخت بود. در ایام بسیار کهن، در عید نوروز و در حضور پادشاه، چنین مبارزه‌ای برگزار می‌شد و پهلوانی که همه مدعیانش را شکست می‌داد، بازوبند پهلوانی را از دست سلطان وقت دریافت می‌کرد و به‌عنوان پهلوان اول کشور شناخته می‌شد (آقایاری، ۱۳۹۶، ص. ۲۱۸). در داستان کشتی‌گیر زنگباری که از

طوماری بسیار کهن - مربوط به عهد صفوی - نقل کردیم، به نکته‌ای بدیع و نادر اشاره شده است که در حدّ تحقیقات نگارنده، در دیگر منابع مربوط به تاریخ کشتی دیده نشد و آن، این است که برخی پهلوانان، منشورنامه‌ای به همراه خود داشتند که آن را ظاهراً به کشورها و سرزمین‌های دیگر می‌بردند و از پادشاه آن سرزمین می‌خواستند یا مبارزه‌ای با بهترین کشتی‌گیران آن منطقه داشته باشند، یا شاه و پهلوانان آنجا، آن را مُهر کنند تا احتمالاً اذعان کنند که در سرزمینشان، هیچ پهلوانی حریف آنان نیست. درحقیقت می‌توان گفت براساس این طومار کهن، برخی کشتی‌گیران نه تنها جهان‌پهلوان کشور خود بودند، بلکه سعی داشتند با کشتی گرفتن با کشتی‌گیران دیگر کشورها، و یا مُهر نمودن منشور پهلوانیشان توسط بزرگان و پهلوانان آن کشور، چهره‌ای فراسرزمینی و بین‌المللی از خود به نمایش بگذارند.

۳-۳. مکان و زمان کشتی

امروزه، تمرینات و مسابقات کشتی، بر روی تشک‌هایی نرم، با ابعادی معین برگزار می‌شود. براساس قوانین فدراسیون کشتی، با توجه به سن و سطح کشتی‌گیر، انواعی از تشک کشتی با ابعادی مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از: تشک‌های مدارس، تشک‌های دانشگاهی، تشک‌های تمرینی، و تشک‌های جهانی. در تشک‌های جهانی که برای مسابقات رسمی استفاده می‌شود، تشک، یک مربع ۱۲ در ۱۲ متر و یا یک هشت‌ضلعی با قطر ۱۲ متر است و این ابعاد، ابعادی استاندارد به‌شمار می‌آیند (مرادپور، ۱۳۹۱، صص. ۷۵-۷۹). براساس اطلاعاتی که از طومارهای نقالی درباره کشتی داریم، می‌توان گفت، میدان و مکان کشتی، بسیار وسیع بوده و هیچ‌گونه اندازه معین و استانداردی نداشته است و پهلوانان تا هر کجای میدان کشتی که راه داشت، هم‌اورد خود را به عقب می‌راندند و فنون خود را اجرا می‌کردند. برای نمونه، در کشتی رستم و

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

سهراب، سهراب، سر به حَقَّة نَافِ رستم می‌گذارد و او را قریب به سیصد قدم عقب می‌دواند (شاهنامهٔ نقالان، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۴۱) و در نبرد رستم با قَهَّارشاه، رستم، حریف را سیصد و شصت گام به عقب می‌راند (همان، صص. ۳۱۸۰-۳۱۸۱).

امروزه برای این‌که کشتی‌گیران، هنگام کشتی‌آسیب‌نبینند، از تشک‌هایی از جنس پلاستیک‌های نیتریل یا پلی‌اتیلن استفاده می‌شود، ولی در زمان قدیم، پیش از شروع کشتی، در میدان مبارزه، خاک نرم سرنده‌شده و بدون سنگ می‌ریختند تا از آسیب‌دیدگی بدن پهلوان جلوگیری شود (آقایاری، ۱۳۹۶، ص. ۳۲۱). در طومارهای نقالی نیز بارها به ریختن خاک نرم جهت کشتی‌پهلوانان اشاره شده است؛ از جمله: در داستان کشتی‌سام با سهیل جهانسوز (شاهنامهٔ نقالان، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۹۲)، رستم با سام زنگی (همان، ص. ۱۳۶۱)، رستم با افراسیاب (همان، ص. ۱۵۶۵) و رستم با سهراب (همان، ص. ۲۰۳۲). ظاهراً هنگام ریختن خاک در میدان کشتی، کمی آب بر روی خاک می‌پاشیدند تا مانع برخاستن گرد و خاک هنگام کشتی‌شود، ولی در یکی از طومارها، سَتّی ذکر شده است که قابل تأمل می‌نماید، و آن، پاشیدن خون به‌جای آب است: «در سرزدن آفتاب [...] خاک نرم ریختند و به‌جای آب، چند راویه خون روی آن پاشیدند» (همان، ص. ۱۳۶۱، ۲۰۳۵).

نگارندهٔ این جستار در حِلِّ تحقیقات خود، چنین رسمی را در متون حماسی یا عامیانه ندیده است، ولی می‌توان حدس زد که احتمالاً پاشیدن خون در میدان کشتی، عملی نمادین به قصد ترغیب هم‌آوردان به مبارزه‌ای خونین و سخت بوده است.

دربارهٔ مدت‌زمان کشتی‌های رزمی نیز باید گفت: برخلاف کشتی‌های امروز که زمانی معین دارند (امروزه، دو نوبت ۳ دقیقه‌ای؛ و قبل‌تر، دو نوبت ۵ دقیقه‌ای)، کشتی‌های رزمی، از لحاظ زمان نبرد، هیچ‌گونه محدودیتی نداشتند و از چند دقیقه تا چند روز به طول می‌انجامید؛ مثلاً کشتی رستم با جهانگیر، سه شبانه‌روز (جهانگیرنامه

(طومار کهن)، ۱۳۷۵، ص. ۲۳۸؛ کشتی فرامرز با جهانگیر، هفت شبانه‌روز (شاهنامه نقالان، ۱۳۹۶، ص. ۳۰۶۶) و کشتی رستم با شبان مازندرانی، هفده شبانه‌روز (همان، صص. ۱۶۸۰-۱۶۸۲) طول کشید. کشتی‌ها گاهی ممتد و ادامه‌دار بودند و هم‌آوردان، بدون هیچ‌گونه استراحت، شبانه‌روز کشتی می‌گرفتند، تا درنهایت، یکی بر دیگری چیره شود. برای نمونه، کشتی سام با ابرها دیو، که تا سفیده صبح به طول انجامید و وقتی خواب غفلت، دیو را در ربود، سام بر او غلبه کرد (رستم‌نامه نقالان، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۹). گاهی نیز کشتی‌ها، در چند دست (واحد شمارش کشتی در متون کهن) صورت می‌پذیرفت و کشتی‌گیران، روزها را کشتی می‌گرفتند و شب‌ها را در همان میدان نبرد، در خیمه‌ای کوچک که به آن قلندری می‌گفتند استراحت می‌کردند و طعام و شراب می‌خوردند و می‌نوشیدند (شاهنامه نقالان، ۱۳۹۶، صص. ۳۱۷۸-۳۱۸۰، ۱۶۸۲).

۳-۴. جامه کشتی

در متون نقالی و منظومه‌های پهلوانی متأخر، شاهد دو نوع جامه کشتی هستیم: نخست، جامه‌ای که بیشتر پهلوانان بر تن می‌پوشند و آن، عبارت است از همان جامه رزم. در یکی از طومارها، به تک تک لباس‌هایی که افراسیاب برای رستم، جهت شرکت در مسابقه کشتی می‌فرستد و رستم ملزم به پوشیدن آن‌هاست، این‌گونه اشاره شده است:

زره‌ای نیم‌تنه که با سیم طلا و نقره بافته شده بود؛ کمربندی از چرم گوزن که با تکه‌های طلا آن را زینت کرده بودند؛ ساعدبند طلایی؛ سینه‌بندی که دانه‌های یاقوت سرخ و زرد به فاصله‌های یک‌نواخت داشت؛ زانوبندی که از بهترین نقره‌ها ساخته شده بود؛ کلاهخودی زرین که با سه زمرّد، یکی چپ، دیگری راست و آخری میانه، چشم را خیره می‌کرد؛ یک جفت چکمه که ساقش تا زیر زانو است، و پشت پاشنه‌ها مهمیزی از نقره (طومار شاهنامه، ۱۳۹۹، ص. ۴۱۷).

نکته حائز اهمیت در کشتی گرفتن با رزم‌جامه این بود که پهلوان باید دامن جامه یا زره را به کمر می‌زد تا بتواند به چالاک کشتی بگیرد. او باید دقت می‌کرد که هنگام

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

کشتی، دامن جامه‌اش از کمر رها نشود، زیرا در این صورت، احتمال گیر کردن جامه در زیر پا و افتادنش بسیار زیاد بود:

سر جهانگیر بر ناف فرامرز بود و او را عقب می‌راند. دامن زره فرامرز از کمرش آویخته شده بود. فرامرز پای راست را که خواست عقب گذارد، بغل چکمه‌اش به حلقه زره گیر کرد و پا یک لحظه عقب نرفت، از پشت گردن تا پاشنه پا مثل شلاق، نقش خاک میدان شد (طومار شاهنامه، ۱۳۹۹، صص. ۶۸۵-۶۸۶).

نوع دوم جامه کشتی که در طومارهای نقالی بدان اشاره شده است، تنگه ورزشی است. در کشتی رستم و افراسیاب، و کشتی رستم و شبان مازندرانی، که از نوع کشتی زورآزمایی بود، رستم، برهنه می‌شود و تنگه ورزشی می‌پوشد: «رستم، برهنه و با یک تنگه ورزشی رفت روی خاک نرم» (شاهنامه نقلان، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۸۰).

شاه [افراسیاب] تنگه ورزشی پوشیده، لباس از تن درآورد. رستم می‌خواست با لباس، کشتی بگیرد. به او گفتند باید برهنه شوی، اما عذر آورد؛ تا بالآخره وادارش کردند که عریان گشته، تنگه ورزش پوشیده، رفت در مقابل شاه (همان، ص. ۱۵۶۵).

۵-۳. برخی اصطلاحات کشتی

۱-۵-۳. کهنه‌سوار

در نبرد رستم با جهانگیر آمده است: «دو نفر از کهنه‌سواران، برای خواندن «گل کشتی» آمدند [...] آن دو قاضی کشتی، یکی ایرانی و آن دگر مغربی، برای خواندن گل کشتی، آغاز سخن نمودند» (همان، صص. ۳۱۷۷-۳۱۷۸).

اصطلاح کهنه‌سوار، از جمله اصطلاحات زورخانه‌ای است و به کسی گفته می‌شد که سرپرستی ورزشکاران را به عهده داشت (انصاف‌پور، ۱۳۵۳، ص. ۱۸۹). در وقت تمرین کشتی، کهنه‌سوار به داخل گود می‌آمد و گاهی خودش با نوحه‌ها تمرین می‌کرد. در این وقت نوحه را برای مرور فنون به وسط گود می‌خواند. در اواخر عصر قاجار که جایگاه کهنه‌سواران

در زورخانه‌ها رو به زوال گذاشت، برخی از وظایف کهنه‌سواران به نوازندگان موسیقی زورخانه (یا همان طبّالان و ضرب‌گیران) سپرده شد و آنان را به نام بی‌مسّمای «مُرشد» خواندند. در این شرایط، تربیت کشتی‌گیران و تعلیم فنون به آنان نیز به پهلوانان باتجربه و میان‌داران زورخانه‌ها محوّل شد (آقایاری، ۱۳۹۶، صص. ۳۲۳-۳۲۴).

۲-۵-۳. در کشتی به روی هم باز کردن

«رستم و جهانگیر»، در کشتی به روی هم باز نموده، طبل کشتی زده، هردو به یکباره فروکوفتند» (شاهنامه نقلان، ۱۳۹۶، ص. ۲۳۴۴).

در کشتی گشودن یا به روی هم باز کردن، «اصطلاحی است برای شروع کردن کشتی» (انصاف‌پور، ۱۳۵۳، ص. ۱۵۶).

۳-۵-۳. فروکوفتن

«رستم و سهراب» روی خاک نرم، پاها را چپ و راست نموده، در کشتی به روی هم باز کردند [...] هردو به یکباره فروکوفتند» (شاهنامه نقلان، ۱۳۹۶، صص. ۲۰۳۳-۲۰۳۴).

در اصطلاح کشتی‌پهلوانی، «دست دادن دو کشتی‌گیر با هردو دست به روش مصافحه در شروع کشتی و یا قاطی شدن را "فروکوبیدن" خوانند. هردو کشتی‌گیر، پس از درآوردن هردو دست خود از دست هم، کف دست‌هایشان را محکم به هم می‌کوبند، چنانکه از برخورد دست‌های هردو طرف، صدا می‌جهد» (انصاف‌پور، ۱۳۵۳، ص. ۱۷۳).

۴-۵-۳. طبل کشتی زدن

«گودرز خطبه‌ای خواند و دست رستم و [دستور] دیوانه را در دست هم نهاد. پس هردو، طبل کشتی زده، فروکوفتند» (شاهنامه نقلان، ۱۳۹۶، ص. ۳۳۴۴).

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

مرشد عباس زریری در توضیح این اصطلاح می‌گوید: «طبل کشتی، یعنی در وقت کشتی گرفتن، دست بر دست زنند؛ مثل کف زدن» (همان، ص. ۳۴۴۹). به نظر می‌رسد کشتی‌گیران از آن روی این اصطلاح را به کار می‌بردند، زیرا از برخورد دست پهلوانان با یکدیگر، صدای بلندی چون طبل برمی‌خاست. در فتوت‌نامه سلطانی که بخشی از آن، به کشتی‌گیری اختصاص دارد، این صدای فروکوفتن دست پهلوانان با یکدیگر، به صدای نقاره جنگ مانند شده است:

اگر پرسند زبان کشتی کدام است؟ بگوی دست. تا دست فرو نکوبند، برنجسفتند. اگر پرسند که دست فروکوفتن چند است، بگو دو: اول آن که در اول کشتی دست فرو کوبند و آن را نقاره جنگ گویند ... (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰، ص. ۳۱۲).

۳-۵-۵. توشاخ

«یک دست رفت در میان توشاخ و با دست دیگر، پیش قبض او را گرفت» (شاهنامه تقالان، ۱۳۹۶، ص. ۳۱۸۱).

توشاخ، به معنای دولنگ است (همان، توضیحات مرشد زریری، ص. ۳۴۵۳)؛ و مفتون همدانی در گل کشتی معروف خود، چنین می‌گوید:

از «توی شاخ» دست بینداز «پیش قبض» دست دگر ببرز میان دست وی بتاب (مفتون همدانی، ۱۳۶۴، ص. ۳۸۰)

۳-۵-۶. گربه‌بازی

«رستم یک نیم‌روز با افراسیاب گربه‌بازی می‌نمود و افراسیاب کاملاً به میزان نیروی شگرف تاجر ایرانی آگاه شده و از کشتی گرفتن خود پشیمان گشته بود» (طومار کهن شاهنامه فردوسی، ۱۳۹۵، ص. ۶۰).

هرچند این اصطلاح در فرهنگ‌های لغت و رسائل و کتب کشتی نیامده، ولی جمشید صداقت‌نژاد در پانویس طومار نوشته است: «گربه‌بازی، اصطلاحی مربوط به کشتی باستان ایران بوده است» (همان). نگارنده این مقاله با توجه به فحوای متن طومار حدس می‌زند که هرگاه در میدان کشتی، زور یکی از کشتی‌گیران بر حریش بسیار می‌چربید، ولی به قصد سرگرمی یا مراعات حال حریش، نمی‌خواست به‌زودی او را مغلوب کند و زمان رقابت را به درازا می‌کشاند، می‌گفتند با حریش «گربه‌بازی» می‌کند.

۷-۵-۳. لنگ از سر به در رفتن

«با کف دست زد در پیشانی وی که آن را کف گرگابی می‌گفتند. قهار، عقب عقب رفته، خواست خودداری کند، نتوانست. به کلاته نشست، لنگ از سرش به در رفت» (شاهنامه نقلان، ۱۳۹۶، ص. ۳۱۸۰، ۳۱۷۲). با توجه به متن، به نظر می‌رسد این اصطلاح را وقتی به‌کار می‌بردند که تعادل حریش برهم می‌خورد و به زمین می‌افتاد، و بدین واسطه، بالاتنه او بر زمین قرار می‌گرفت و پاها رو به بالا.

۸-۵-۳. کله به کله زدن

«[رستم و کک کوهزاد] عاقبت به تلاش کشتی درآمدند، کله به کله زدند تا آفتاب سر زد» (نثر نقالی شاهنامه، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۳؛ برای نمونه‌های دیگر رک. هفت‌لشکر، ۱۳۷۷، ص. ۳۰۸، ۲۷۰، ۳۹۱؛ طومار شاهنامه، ۱۳۹۹، ص. ۴۷۷). این اصطلاح، یکی از پرکاربردترین اصطلاحات رزم کشتی در طومارهای نقالی است که به معنای دست و پنجه نرم کردن و سرشاخ شدن دو هم‌آورد به‌کار می‌رود.

۹-۳. برخی فنون کشتی

هرچند قدمت کشتی در ایران به چندین هزار سال پیش می‌رسد، ولی جای شگفتی است که در متون کهن پارسی، به‌ندرت از فنون کشتی — که تعداد آن‌ها در برخی منابع

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

۳۶۰ (سعدی، ۱۳۸۵، ص. ۵۸) و در برخی دیگر، ۳۶۶ (زرزین‌قبانامه، ۱۳۹۳، ص. ۶۸۰) ذکر شده است — سخن به میان آمده است، حتی در متون پهلوانی اصیلی چون شاهنامه، گرشاسب‌نامه، بهمن‌نامه و کوش‌نامه. شاید بتوان گفت قدیم‌ترین اثری که درباره معرفی برخی فنون کشتی در دست است، رساله‌ای است مربوط به (احتمالاً) قرن نهم هجری، که به ذکر مختصر ۴۷ فن کشتی — که برخی از آنها به زبان ترکی است — می‌پردازد (رک. ده رساله در تیراندازی و کمانداری و جنگاوری، ۱۳۹۷، صص. ۳۷ — ۴۱). علاوه بر این اثر، در منظومه‌ای موسوم به گل‌کشتی از میرنجات اصفهانی، شاعر عصر صفوی (میرنجات، بی تا)، و دو ترجیع‌بند از مفتون همدانی (مفتون همدانی، ۱۳۶۴، صص. ۳۷۷ — ۳۸۶) نیز به ذکر نام انواعی از فنون کشتی پرداخته شده است. طومارهای نقالی و منظومه‌های پهلوانی متأخر نیز یکی دیگر از معدود منابعی است که گنجینه‌ای از انواع فنون کهن کشتی را در آنها شاهد هستیم. در این متون پهلوانی عامیانه، به دو گونه، به فنون کشتی اشاره شده است:

۳-۶-۱. فنونی که نام آنها آورده شده است

۳-۶-۱-۱. کله زنگی

برون رفت از دست او چون سزد یکی کله زنگی به رستم بزد

(زرزین‌قبانامه، ۱۳۹۳، ص. ۷۰۸)

هرچند مصحح محترم منظومه زرین‌قبانامه، در مقدمه کتاب ذکر کرده‌اند که شیوه اجرای این فن را در فرهنگ‌های لغت درنیافته‌اند (رک. همان، ص. ۸۲)، ولی در یکی از رساله‌های کهن که درباره «تیراندازی و کشتی‌گیری» است و مربوط به قرن نهم هجری است، از فنی به نام «کله زنگی» نام برده شده است که احتمالاً صورتی کهن‌تر از «کله زنگی» است. در این رساله آمده است: «کله رنگ، آن که دست راست در زیر بغل

او کند و به دست چپ، بغل او را بگیرد و پا بر زانوی او زند، بیندازد» (ده رساله در تیراندازی و کمانداری و جنگاوری، ۱۳۹۷، ص. ۳۹).

در *بدایع الوقایع*، اما آنجا که زین‌الدین محمود واصفی، نبرد روز با شب را در قالب تصویر کشتی دو پهلوان ذکر می‌کند، سخن از فن «کلّه زنگی» به میان می‌آید که ظاهراً شیوه اجرائش این گونه بوده که حریف را از زمین برداشته و به عقب پرتاب می‌کردند: «و هر وقت صبحدم در زمین او [= شام] درآمده، به فن کلّه زنگی از خاکدان دهرش برداشته، بر قفا می‌اندازد...» (واصفی، ۱۳۴۹، ج. ۱/ص. ۴۹۰).

۳-۱-۶-۲. مراضک

به مراضک آورد رستم به بند از آن بند بیرون شد آن دیو بند (زرّین‌قبانامه، ۱۳۹۳، ص. ۷۰۸)
«نام فنی از کشتی است و آن، هردو پای خود در گردن یا کمر حریف بند کرده، همچون مراض پیچیدن است» (محمدپادشاه، ۱۳۶۳، ذیل مراضک). مفتون همدانی در ترجیع‌بندی می‌گوید:

خصم تو گر به خاک فکندت مده صداع «مراضک» تو هست تو را بهترین دفاع (مفتون همدانی، ۱۳۶۴، ص. ۳۸۳)

۳-۱-۶-۳. شتر غلت

شتر غلت بندی ز کشتی بود گرفتار گردید آن تیره دد (زرّین‌قبانامه، ۱۳۹۳، ص. ۷۰۸)
مصحح منظومه زرّین‌قبانامه، ظاهراً بیت را اشتباه قرائت کرده‌اند و «بند» را متصل به «شتر غلت» خوانده و آن فن را «شتر غلط‌بند» تصور کرده‌اند (رک. همان، مقدمه مصحح، ص. ۸۱)، درحالی‌که لازم بود در خوانش مصراع، پس از «شتر غلط»، درنگ

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

می‌کردند (کاما می گذاشتند)؛ و از آنجا که «بند»، به معنی «حیله و فن کشتی‌گیری است» (برهان تبریزی، ۱۳۶۲، ذیل بند)، پس معنی مصراع چنین می‌شود: شتر غلط/غلت، یکی از فنون کشتی است.

شتر غلط/ غلت، در فرهنگ‌های لغت و کتب مربوط به فنون کشتی، فقط نام یکی از فنون کشتی ذکر شده و توضیحی درباره آن داده نشده است. میرنجات اصفهانی درباره این فن می‌گوید:

همچو معشوق عرب‌زادهٔ جهازه سوار یک «شترغلت» درستی و بغل‌گیری بار (میرنجات، بی‌تا، برگ ۱۰، ب)

۳-۶-۱-۴. تنگ شکر

بیفتاد رستم، دگر ره بجست به تنگ شکر دیو را کرد پست (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳، ص. ۷۰۸)
«نام فنی از کشتی و آن چنان است که دو پای حریف تنگ گرفته، زور بر سر و سینه‌اش آورده بر زمین زنند» (محمدپادشاه، ۱۳۶۳، ذیل تنگ‌شکر؛ نیز نک. بهار، ۱۳۸۰).

۳-۶-۱-۵. بُز آویز

بُز آویز کردش دلیر گزین سلیمان بدو خواند صد آفرین (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳، ص. ۷۰۸)
یکی از فنون کشتی است که در فرهنگ‌های لغت و کتب مربوط به فنون کشتی، توضیحی درباره آن داده نشده است.

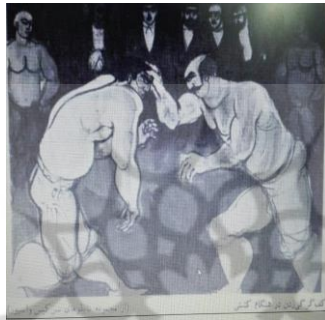
۳-۶-۱-۶. کف‌گرگابی (کف‌گرگی)

[رستم]، هیکل کک را عقب برده، فرو کشید. هردو زانوی کک مانند شتری که در زیر بار تَه شود، رسید به بالای زمین. خواست حرکت کند که رستم با کف‌گرگابی

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۱۰، شماره ۴۵، مرداد و شهریور ۱۴۰۱

به پیشانی او زده، چند گامی عقب رفته، در غلطید (شاهنامه نقلان، ۱۳۹۶، ص. ۱۳۱۲).

اصل این فن، «کف گرگی» است، ولی نمی دانم چرا مرشد زیری، آن را «کف گرگابی» ذکر کرده است! این فن، از جمله فنون کشتی پهلوانی است که در آن، با کف دست، به پیشانی حریف می زدند تا تعادلش را از دست بدهد.



تصویر ۳: کف گرگی زدن در هنگام کشتی - از مجموعه تابلوهای سرکیس واسپور

Figure 3: Kaf- gorgi in wrestle -from Serkis Vospur's collection of paintings

در یکی از رباعی هایی که در گل کشتی می خواندند، آمده است:

یک فت پانما و کف گرگی اش بزن چون قد علم نمود، تو برداری اش به چنگ

(آقایاری، ۱۳۹۶، ص. ۵۲۵)

۳-۶-۱۷. لنگر انداختن

«سام دلاور، تمرتاش را به عقب دوانید و فروکشید بسان شترِ باردار به دو گنده زانو

درآمد. سام لنگر پهلوانی بر سرش افکنند، ساعتی او را نگاه داشت» (شاهنامه

هفت لشکر، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۳).

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

«رستم خراب شد روی هیکل او و آن قدر لنگر پهلوانی افکند تا نفسش منقطع و دست‌هایش از کمر رستم رها شد» (شاهنامهٔ نقالان، ۱۳۹۶، صص. ۹۰-۹۱، ۳۱۸۰).
در فرهنگ‌های لغت و کتب مربوط به فنون کشتی پهلوانی، چنین فنی ذکر نشده است، ولی با توجه به محتوای متن می‌توان حدس زد فنی بوده است که در آن، پهلوان، تمام وزن خود را بر قامت حریف می‌افکنده است.

۳-۲-۶. فنونی که نحوهٔ انجامش ذکر شده، ولی نام آن‌ها آورده نشده است

۳-۲-۶-۱. هل دادن حریف و فرو کشیدن او

«سام نریمان، هر مرتبه او [ابرها دیو] را به عقب دوانیده و فرو می‌کشید، که نره دیو به دو زانو درآمد» (رستم‌نامهٔ نقالان، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۹؛ برای نمونهٔ دیگر رک: شاهنامهٔ نقالان، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۴۰).

۳-۲-۶-۲. دست در میان دو پای حریف کردن و کندن او از زمین

[سام] برون کرد دست از میان دو پای به نیرو درآمد بکنش ز جای (سام‌نامه، ۱۳۹۷، ص. ۲۶۳)

۳-۲-۶-۳. گرفتن یک دست و یک پای حریف و بلند کردن او از زمین

به یک دست و یک پای آن ژنده پیل چو بگرفت و جوشید چون رود نیل ...

بگفت و به نیرو جهان پهلوان ربودش ز جا کوه تیره روان (همان، ص. ۴۵۲)

۳-۶-۲-۴. با یک دست، پای حریف، و با دست دیگر، کمر حریف را گرفتن و از

زمین کندن

[رستم] به یک دست پای هزبر بلا گرفت و خروشید چون ازدها

به دست دگر بر کمر بند اوی گرفت آن سپهدار پرخاشجوی

بکندش ز جا آن گوبی همال در آن دم چنین گفت: کای ذوالجلال ...

(تہمتن نامہ، منظومہ کوه دماوند، ۱۳۹۸، ص. ۳۳۸)

۳-۶-۲-۵. کندن حریف از زمین و به دور سر گرداندن او

«سام نریمان، شاهی پور را از زمین برگند و بر دور سرش گردانید؛ که شاهی پور دلاور نعره کشید که هزار جانم فدای تو باد! ای نامدار! تا زنده‌ام، غلام تو‌ام» (طومار جامع تقالی شاهنامه، ۱۳۹۷، ص. ۸۸).

۴. نتیجه

کشتی یکی از قدیم‌ترین ورزش‌های پهلوانی و رزمی جهان است که قدمت آن به دوران بسیار کهن بشر بازمی‌گردد. قدیم‌ترین سند مکتوب تاریخی در مورد رزم کشتی، به حماسه گیلگمش مربوط به تمدن بین‌النهرین بازمی‌گردد. در ایران نیز، قدیم‌ترین سند باستان‌شناختی در این خصوص، تبری یافته‌شده در لرستان است که بر روی آن، تصویر دو کشتی‌گیر نقش بسته شده است. هرچند ورزش کشتی در ایران، قدمتی چند هزار ساله دارد، ولی به غیر از کتب و مقالاتی که در عصر جدید به چاپ رسیده‌اند، و چند رساله و شعر کوتاه که مربوط به چند قرن پیش هستند، اسناد مکتوبی که به روشنی،

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

به آیین، فنون و اصطلاحات کشتی بپردازند در دست نیست؛ اگر هم در متون تاریخی یا حماسی کهن، سخنی از کشتی به میان آمده، صرفاً در حد سرشاخ شدن دو مبارز در میدان رزم (بدون ذکر جزئیات، اصطلاحات و فنون کشتی) و توصیف نبرد آنان است. طومارهای نقالی و منظومه‌های پهلوانی متأخر از جمله منابعی هستند که می‌توانند اطلاعات ذی‌قیمتی در مورد قوانین و اصطلاحات کشتی به ما بدهند. در این منابع، به روشنی و گستردگی به پنج قانون کشتی و برخی اشارات نادر در این زمینه پرداخته شده است. علاوه بر آن، در طومارهای نقالی و منظومه‌های پهلوانی متأخر، می‌توان اطلاعات ذی‌قیمتی از مکان و مدت کشتی، جامه کشتی‌گیران، انواع فنون نادری که به کار برده می‌شد، و نیز برخی اصطلاحات کشتی‌گیران قدیم را مشاهده کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. کرده‌کار: مجرب، کاربلد، جلد.
۲. یکی از ویژگی‌های دستوری برخی متون کهن، آوردن حرف اضافه «به»، پیش از مفعول است که در معنای «را»ی مفعولی به کار می‌رود.

منابع

- آقایاری، خ. (۱۳۹۶). آیین پهلوانی و سنت زورخانه‌ای. تهران: نیستان.
- ابن جوزی، ا. (۱۳۵۸). المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم. ج ۶. حیدرآباد: دایره‌المعارف عثمانیه.
- انصاف‌پور، غ.ر. (۱۳۵۳). تاریخ و فرهنگ زورخانه. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر مرکز مردم‌شناسی ایران.
- برزونامه (۱۳۸۴). منسوب به عطاء بن یعقوب. به کوشش ع. محمدی. همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.

- برهان تبریزی، م.ح. (۱۳۶۲). *برهان قاطع*. به اهتمام م. معین. ج ۳. تهران: امیرکبیر.
- بهار، ل. (۱۳۸۰). *بهار عجم*. تصحیح ک. ذذفولیان. تهران: طلایه.
- بیدکی، ه. (۱۳۹۷). *سیدره و گُستی در کیش زرتشتی و انعکاس آن در کشتی کرمانجی و شاهنامه فردوسی*. فرهنگ و ادبیات عامه، ۱۹، ۱۷۵-۱۹۴.
- بیضایی، ح. (۱۳۸۲). *تاریخ ورزش باستانی ایران*. تهران: زوار.
- پرویز، ا. (۱۳۷۷). *سابقه کشتی در ایران*. باستان پژوهی، ۲، ۹-۱۱.
- پورداد، ا. (۱۳۷۷). *بیشتها*. ج ۱. تهران: اساطیر.
- تهمتن‌نامه (۱۳۹۸). تصحیح و تحقیق ر. غفوری. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.
- جمال‌الدین انجو، ح. (۱۳۵۱). *فرهنگ جهانگیری*. ویراسته ر. عقیقی، ج ۱. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- جوینی، م. (۱۳۸۲). *تاریخ جهانگشای جوینی*. تصحیح م. قزوینی. ج ۱. تهران: دنیای کتاب.
- جهانگیرنامه (طومار کهن) (۱۳۷۵). به کوشش ج. صداقت‌نژاد. تهران: نیما.
- خسروی، ز.، افخمی، ب.، حاجی‌زاده، ک.، و برغم‌دی، م. (۱۴۰۰). *کشتی و کهن‌الگوی قهرمان*. فرهنگ و ادبیات عامه، ۳۷، ۱۶۹-۱۹۴.
- ده رساله در تیراندازی و کمان‌داری و جنگاوری (۱۳۹۷). مقدمه و تصحیح م. افشاری و ف. مروجی. تهران: چشمه.
- رستم‌نامه تقالان (۱۳۹۸). تصحیح م.ج. یاحقی و ف. ماه‌وان. تهران: سخن.
- رستم‌الحکما، م.ه. (۱۳۴۸). *رستم‌التواریخ*. به اهتمام م. مشیری. تهران: تابان.
- ریاضی، م.ر.، پوراسدی، ف.، حسینی، ا.، دهباشی، ل.، صیرفی، ه.، و مهدی‌زاد، پ. (۱۳۸۷). *فرهنگ نگاره‌های ورزشی ایران*. تهران: کمیته المپیک جمهوری اسلامی ایران.
- زرین‌قبا‌نامه (۱۳۹۳). تصحیح س. آیدنلو. تهران: سخن.
- سام‌نامه (۱۳۹۷). تصحیح و. رویانی. تهران: میراث مکتوب.

پژوهشی پیرامون آیین‌ها، اصطلاحات، قوانین و فنون کشتی در طومارهای نقالی... بهزاد آتونی

- سعیدی، م. (۱۳۸۵). کلیات سعیدی. تصحیح م.ع. فروغی. تهران: هرمس.
- شاهنامه‌تقالان (۱۳۹۹). مرشد عباس زریری اصفهانی. ویرایش ج. دوستخواه. ۵ ج. تهران: ققنوس.
- شاهنامه هفت‌لشکر (۱۴۰۰). تصحیح و توضیحات م. جعفری (قنواتی) و ز. محمدحسینی صغیری. تهران: خاموش.
- طومار جامع نقالی شاهنامه (۱۳۹۷). به قلم م.ش. نایگلی. تصحیح ف. قائمی. مشهد: به‌نشر.
- طومار کهن شاهنامه فردوسی (۱۳۹۵). نوشته ج. صداقت‌نژاد. تهران: دنیای کتاب.
- طومار نقالی شاهنامه (۱۳۹۱). ویرایش س. آیدنلو. تهران: به‌نگار.
- طومار شاهنامه (۱۳۹۹). به کوشش س.م. سعیدی. ۲ ج. تهران: خوش‌نگار.
- عباسی، م. (۱۳۷۷). تاریخ کشتی ایران. ج ۱. تهران: مجید.
- کاشفی سبزواری، ح. (۱۳۵۰). فتوت‌نامه سلطانی. به اهتمام م.ج. محجوب. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- کاظمینی، ک. (۱۳۴۳). نقش پهلوانی و نهضت عیاری. تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- کتبی، م. (۱۳۶۴). تاریخ آل مظفر. به اهتمام ع. نوائی. تهران: امیرکبیر.
- گیلگمش (۱۳۸۶). برگردان ا. شاملو. تهران: چشمه.
- محمد پادشاه (۱۳۶۳). فرهنگ جامع فارسی آندراج. زیر نظر م. دبیرسیاقتی. تهران: کتابفروشی مرادپور، ح. (۱۳۹۱). قوانین کشتی. تهران: سخنوران پارسه.
- مرعشی، س.ظ. (۱۳۶۴). تاریخ گیلان و دیلمیان. تصحیح م. ستوده. تهران: اطلاعات.
- معین، م. (۱۳۲۶). مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی. تهران: دانشگاه تهران.
- مفتون همدانی (۱۳۶۴). دیوان اشعار. به کوشش ر. مفتون. تهران: زوار.
- میرنجات اصفهانی (بی‌تا). گل‌کشتی. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۱۳۲۱۴.
- مینوی، م. (۱۳۸۷). داستان رستم و سهراب. تهران: زوار.
- نثر نقالی شاهنامه (۱۳۹۸). مقدمه، تصحیح و توضیح ر. غفوری. تهران: آرون.

- واصفی، ز. (۱۳۴۹). *بدايع الوقایع*. تصحيح ا. بلدروف. ۲ ج. تهران: چاپخانه زر.
- همدانی، ر. (۱۳۷۳). *جامع التواریخ*. تصحيح م. روشن و م. موسوی. تهران: البرز.
- هفت‌لشکر (۱۳۷۷). تصحيح م. افشاری و م. مدایینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یاحقی، م. ج. (۱۳۸۸). *از پاژ تا دروازه رزان*. تهران: سخن.

Reference

- Abbasi, M. (1998). *Iran's ship history* (in Farsi). Majid Publications.
- Afshar, M., & Madayeni, M. (1998). *Seven armies (comprehensive scroll of narrators)*. Institute of Humanities.
- Afshari, M., & Maroji, F. (eds) (2018). *Ten treatises on shooting, archery and warfare* (in Farsi). Cheshmeh.
- Aghayari, Kh. (2017). *Pahlavi religion and Zourkhane tradition* (in Farsi). Neyastan.
- Aidenloo, S. (ed) (2012). *Shahnameh storytelling scroll* (in Farsi). Behangar.
- Aidenoo, S. (ed) (2014). *Zarrin Qaba-nameh* (in Farsi). Sokhan.
- Bahar, L. (2004). *Bahar Ajam* (in Farsi) (edited by K. Dezfoulian). Talayeh.
- Beizaei, H. (2003). *The history of ancient sports in Iran* (in Farsi). Zavvar.
- Bidaki, H. (2018). Sedrah and Kosty in Zoroaster religion and its reflection in Ferdowsi's Shahnameh and Kurmanji Wrestling (in Farsi). *Culture and Folk Literature*, 6(19), 175-194.
- Borhan Tabrizi, M. (1983). *Borhan Ghate* (in Farsi) (edited by M. Moin). Amir Kabir Publications.
- Borzo-Nameh (in Farsi). (2005). *Ata bine Yaqoub* (edited by A. Mohammadi). Bou-Ali Sina University Publications.
- Ensafpour, Gh. (1974). *History and culture of Zourkhane* (in Farsi). Culture and Art Publications, Anthropology Center of Iran.
- Gafouri, R. (2019). *Narrative prose of Shahnameh* (in Farsi). Aron.
- Ghafouri, R. (ed) (2019). *Tahamtan-nameh* (in Farsi). Dr. Mahmoud Afshar Publications & Sokhan Publications.
- Hamedani, R. F. (1994). *Jame al-Tawarikh* (in Farsi) (edited by M. Roshan and M. Mousavi). Alborz.
- Ibne Juzi, A. (1979). *Almontazam fi Tarikh al-molouk o al-omam* (in Arabic). Osmani Encyclopedia.

- Jamal-o-ddin Anju, H. (1972). *Jahangiri culture* (in Farsi) (edited by R. Afifi). Ferdowsi University.
- Joveyni, M. (2003). *History of Jahangosha Joveyni* (in Farsi) (edited by M. Qazvini). World of Books.
- Kashefi Sabzevari, H. (1971). *Fotovvat-nama Soltani* (in Farsi) (edited by M. J. Mahjoub). Farhang Iran Foundation.
- Kazemini, K. (1964). *The role of championed and the Ayyari movement* (in Farsi). National Bank.
- Khosravi, Z., Afkhami, B., Hajizadeh, K., & Barghamadi, M. (2021). Wrestling and the hero archetype (in Farsi). *Culture and Folk Literature*, 9(37), 169-194.
- Kotabi, M. (1985). *History of Al-e Mozaffar* (in Farsi) (edited by A. Navai). Amir Kabir.
- Maftoun Hamedani. (1985). *Diwan* (in Farsi) (edited by R. Maftoun). Zavvar.
- Marashi, Z. (1985). *History of Gilan and Deylamian* (in Farsi) (edited by M. Sotoudeh). Information.
- Minavi, M. (2008). *The story of Rostam and Sohrab* (in Farsi). Zavvar.
- Mir-nejat Isfahani. (no date). *Gol koshti* (in Farsi). Library of the Islamic Congress. Number 13214.
- Mohammad Padeshah. (1984). *Anenderaj Persian comprehensive dictionary* (in Farsi) (edited by M. Dabir siyaghi). Bookstore
- Moin, M. (1947). *Mazdeyasna and its influence in Persian literature* (in Farsi). University of Tehran.
- Moradpour, H. (2012). *Rules of wrestling* (in Farsi). Sokhnvaran Parseh.
- Naigoli, M. Sh. (ed) (2018). *Shahnameh comprehensive storytelling scroll*. Beh-nashr
- Parviz, A. (1998). The history of wrestling in Iran (in Farsi). *Archaeology*, 1(2), 9-11.
- Pourdawoud, A. (1998). *Yashta* (in Farsi). Asatir.
- Qanawati, M. J., & Mohammad Hosni Saghiri, Z. (2021). *Seven armies of Shahnameh*. Khamoosh.
- Riazi, M. R., Pour-Asadi, F., Hosseini, A., Dehbashi, L., Seyrafi, S., & Mahdizad, P. (2008). *Dictionary of sports pictures of Iran* (in Farsi). Olympic Committee of the Islamic Republic of Iran.
- Rostam ol-Hakma, M. (1969). *Rostam al-Tawarikh* (in Farsi) (edited by M. Moshiri). Taban.
- Royani, V. (ed) (2018). *Sam-nameh* (in Farsi). Written Heritage Publication.
- Saadi, M. (2006). *Collection of Saadi's works* (in Farsi). Hermes.
- Saidi, M. (ed) (2006). *Shahname scroll* (in Farsi). Xosh Negar.
- Sedaghat Nezhad, J. (1995). *Jahangir- Namah* (old scroll) (in Farsi). Nima.

- Sedaghat Nezhad, J. (2016). Old Shah-Nameh scroll (in Farsi). Book World
- Shamlou, A. (ed) (2007). *Gilgamesh*. Cheshme.
- Wasefi, Z. M. (1970). *Badaye aj-vaghaye* (in Farsi) (edited by A. Beldrov). Zar.
- Yahaghi, J., & Mahwan, F. (eds) (2019). *Rostam-nameh Naghalan* (in Farsi). Sokhan.
- Yahaghi, M. J. (2009). *From Pazz to Razan gate* (in Farsi). Sokhn.
- Zariri, Isfahani, A. (ed) (2017). *Shahnama Naqalan* (in Farsi). Ghoghnoos.

